

## تبیین جایگاه رشته ادبیات عرب در حوزه علوم انسانی و اهمیت تداوم آن در دانشگاه ها به جهت شناخت فرهنگ و تمدن اسلامی

لیلا ولی پور لالیمی<sup>۱</sup>، مهتاب مجنون پور<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> کارشناسی ارشد ادبیات عربی، دانشگاه مازندران بابلسر

<sup>۲</sup> استاد پژوهشگر و نویسنده، مشاور علمی در حوزه علوم انسانی، نوآور و کارآفرین در حیطه پژوهش، مؤسس دفتر پژوهش فاعل الخیر

### چکیده

«علوم انسانی» نامی است که امروزه بعنوان یکی از ضروریات حیات آدمی و یک رشته از معارف بشری اطلاق می شود که به مطالعه انسان (انسان شناسی تجربی) می پردازد. علوم انسانی یعنی نیمی از جمعیت دانشجویی کشور که هرروز با برنامه های آموزشی و درسی علوم انسانی سرو کاردارند. این قشر عظیم دانش آموخته می توانند با بهره گیری از آموزه های این علوم اثربخش زمینه شناخت فرهنگ و تمدن اسلامی را فراهم آورده و تبیین نمایند. فرهنگ مختص انسان است و زبان یکی از ویژگیهای اجتماعی و اجزای مهم فرهنگی جوامع بشری محسوب می شود. از جمله شاخه های علوم انسانی و رشته های دانشگاهی که می تواند تبیین کننده فرهنگ و تمدن اسلامی در دانشگاه ها باشد، رشته زبان و ادبیات عرب است. با توجه به اهمیت روابط با کشورهای عربی همسایه و تأثیر و تأثرات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی که بین این فرهنگها و آداب و رسوم مختلف آنها وجود دارد، لازم است تا با شناساندن و تبیین جایگاه آن در دانشگاه ها پتانسیل های بالقوه این رشته برای قشر عظیم علمی روشن و تثبیت شود. این پژوهش به روش کتابخانه ای و با شیوه توصیفی -تحلیلی انجام شده است دربردارنده مضامینی چون: علوم انسانی و اقسام آن، ماهیت علوم انسانی، خلأهای موجود در علوم انسانی، قلمرو اسلام در عرصه علوم انسانی، آموزش عالی و فرهنگ دانشگاهی، چالش های دانشگاهی در ایران، اهمیت زبان عربی، تاریخچه آموزش زبان عربی در ایران، رشته زبان و ادبیات عرب، ضرورت اهمیت مضاعف به زبان عربی، اهداف اساسی از آموزش زبان و ادبیات عربی، فرهنگ و انواع آن، تمدن و عوامل مؤثر در پیشرفت یا انحطاط آن، فرهنگ و تمدن اسلامی، اجزای تکاملی فرهنگ در مجموعه های انسانی- دانشگاهی، تأثیر گزاری فرهنگ و دانشگاه بر یکدیگر، تبیین رابطه بین فرهنگ و دانشگاه می باشد.

**واژه های کلیدی:** علوم انسانی، دانشگاه، زبان و ادبیات عرب، فرهنگ، تمدن اسلامی

**مقدمه**

دانشگاه مکانی برای دانش اندوزی است که در آن اندیشه های نو پرورنده می شود. به عبارتی جایگاهی است برای تعامل فرهنگ و روابط انسانی، وفی الواقع جامعه ای است برای بحث و تبادل دیدگاه ها که نقش اصلی آن آموزش دادن است و پژوهش نیز در کنار آن نقش خود را در پرورش اندیشه ها به خوبی ایفا می کند. دانشگاه یقیناً می تواند و تاکنون توانسته محیطی برای کارآفرینی اساتید، دانشجویان و اهالی دانش در همه سطوح علمی گوناگون (کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد، دکترای تخصصی و حرفه ای) و رشته های مختلف باشد. از جمله علوم مورد آموزش در دانشگاه ها، علوم انسانی می باشد که بیشترین ظرفیت دانشگاه ها را به خود اختصاص داده است. علوم انسانی در پرورش اذهان و قشر دانش آموخته ای که عهده دار مشاغل تخصصی در کشور شده و امور کشور را به شیوه تعلیم و تربیتی که در این حیطه دیده اند اداره می کنند، نقش اساسی و بنیادی دارد. علوم انسانی دارای رشته های مختلفی در دانشگاه است که یکی از این آنها، زبان و ادبیات عرب می باشد. آموختن زبان عربی به واسطه اینکه زبان قران و زبان دوم مسلمانان است و نیز در برقراری روابط با کشورهای عرب همسایه، اهمیت ویژه ای دارد. از طرفی آموزش و آموختن این زبان ریشه در فرهنگ بزرگترین دین دنیا یعنی اسلام نقش عمده ای در شناخت و آگاهی فرهنگ و تمدن اسلامی دارد و از جهات مختلف مادی، فرهنگی، رشد اقتصادی، فکری، دینی و معنوی نیز بر جامعه اثرات مثبت و پایداری بر جوامع خواهد داشت.

**پیشینه پژوهش**

**مقاله «پژوهشی نگاهی به کارآمدی راهبردهای نوین آموزش زبان عربی در ایران»** نویسنده: توکلی محمدی، محمودرضا و نویسندگان. ۱۴۰۰. با توجه به اهمیت آموزش زبان عربی در ایران، در کنار شیوه های سنتی به راهبردهای نوین نیازمند است. در این پژوهش با ارائه رویکردهای نوین، آموزشگران را قادر سازد تا آموزش زبان عربی را با توانایی تحلیل برنامه های آموزشی و تطبیق آنها با نیاز فراگیران کسب نمایند.

**مقاله «پژوهشی تاثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات بر اشتیاق یادگیری و عملکرد تحصیلی در برنامه درسی مکالمه زبان عربی»** نویسندگان: ناعمی، زهره و علی محمد، ۱۳۹۹. پژوهش حاضر با هدف بررسی تاثیر فن آوری اطلاعات و ارتباطات (فاوا) بر اشتیاق یادگیری و عملکرد تحصیلی در برنامه درسی مکالمه زبان عربی نشان داد که فاوا سبب افزایش اشتیاق یادگیری و عملکرد تحصیلی در برنامه درسی مکالمه زبان عربی شده است و استفاده از آن می تواند به عنوان یک برنامه مداخله ای موثر جهت بهبود اشتیاق یادگیری و عملکرد تحصیلی باشد.

**مقاله «پژوهشی در ضرورت تدریس زبان و ادبیات فارسی به دانشجویان مترجمی عربی»** نویسنده: فروتن، عبدالرسول، ۱۳۹۸. این پژوهش نمایانگر ناآشنایی برنامه ریزان درسی با ویژگی های زبان و ادبیات فارسی، اهمیت شناخت آن در ترجمه و نبود مدیریت و نگرش علمی واحد در طراحی سرفصل های رشته های مترجمی است.

**علوم انسانی و اقسام آن**

علوم انسانی از مهمترین ضرورت های حیات آدمی است که از زوایای گوناگون، تاریخی، اجتماعی، کلامی و فلسفی قابل توجه است. گزاره های علوم انسانی نظری و عملی متعلق کاوش پژوهش گران و روشن فکران قرار گرفته و تحقیقات علمی را در جامعه اسلامی به ارمغان آورده است. هر چند پاره ای از این پژوهشها از قوت بالایی برخوردارند و نهادهای اجتماعی و رفتارهای

فردی را به سمت کمال و قرب الاهی سوق می دهند و به مقصد و مقصود حق تعالی نزدیک می سازند؛ لیکن برخی دیگر گرفتار آفات و آسیبها و بحرانهای نظری و عملی اند؛ بحرانهای نظری که در بردارنده چالشهای معرفت شناختی، فلسفی، کلامی و بحرانهای عملی نیز شامل آسیبهای اجتماعی و رفتاری هستند (خسروپناه، ۱۳۹۴: ۱۹). علوم انسانی، شامل زبانهای باستانی و مدرن، ادبیات، فلسفه، مذهب، هنر و موسیقی شناسی، جامعه شناسی، روان شناسی، زبان شناسی، مدیریت، اقتصاد، حقوق، علوم سیاسی و تاریخ و رشته های مرتبط دیگر می شود. دانشمندان علوم انسانی، "humanity scholars" (دانشمندان علوم بشری) یا امانیست ها (انسان گراها) هستند.

چهار نوع علوم انسانی داریم که شامل علوم انسانی عقلی مانند: (علم النفس فلسفی، فلسفه ذهن و فلسفه زبان). علوم انسانی تجربی مانند: (روان شناسی جامعه شناسی، انسان شناسی زیستی و انسان شناسی، فرهنگی). علوم انسانی نقلی دینی: (مانند انسان شناسی اسلامی. علوم انسانی شهودی مانند: (انسان شناسی عرفانی).

علوم انسانی را می توان با دو رویکرد تحقق یافته و بایسته مطالعه کرد. علوم انسانی تحقق یافته علمی هستند که در غرب شکل گرفته و با مبانی و بنیادهای سکولار تحقق یافته اند. مقصود از علوم انسانی بایسته دانشهایی هستند که باید با بهره گیری از بنیادهای هستی شناختی، معرفت شناختی، انسان شناختی و دین شناختی اسلامی به مرحله تولید برسند. نسبت گزاره های علوم انسانی تحقق یافته با گزاره های علوم انسانی بایسته عموم و خصوص من وجه است؛ یعنی برخی گزاره های این دو دسته علوم مشترکند و دسته دیگر نیز متمایز و گاهی هم متعارضند؛ ولی مشترکات علوم انسانی سکولار و علوم انسانی اسلامی نیز می توانند با تأثیر گذاری مبانی شان تفاسیر گوناگون داشته باشند (همان، ۲۹).

### ماهیت علوم انسانی

موضوع علوم انسانی انسان کلی و نامعین نیست، بلکه انسان متعارف است؛ انسانی که در دسترس تجربه و آزمون قرار دارد، بنابراین نمی توان علوم انسانی را به علمی که با انسان سر و کار دارند تعریف کرد؛ زیرا فلسفه و عرفان و مذهب و اخلاق و طب و فیزیولوژی نیز با انسان ارتباط دارند. نویسندگان گوناگون ترجیح داده اند این علوم را علوم اخلاقی به معنای علم به خُلقیات، علوم مربوط به فرهنگ، علوم مربوط به روح، علوم مربوط به انسان و علوم دستوری یا هنجاری بنامند و گاه علوم انسانی را مترادف علوم روحی، علوم توصیف افکار و نظایر آن گرفته اند و عده ای آن را با علوم اجتماعی و علوم تاریخی هم معنا دانسته اند. برخی نیز علوم انسانی را مجموعه ای از معارف مانند: (علم اقتصاد، جامعه شناسی، انسان شناسی، جغرافیا، قوم شناسی، زبان شناسی، تاریخ، تاریخ سیاسی، تاریخ علوم، تاریخ فلسفه، تاریخ هنر و نظایر آن، دانش آموزش و پرورش، علم سیاست، باستان شناسی، فقه اللغه، شناخت فنون و علوم رمزی و اسطوره شناسی) تعریف کرده اند.

ژولین فروند در تعریف علوم انسانی می نویسد: «علوم انسانی به معارفی اطلاق می شود که موضوع تحقیق آنها فعالیت های مختلف بشر است؛ یعنی فعالیت هایی که متضمن روابط افراد بشر با یکدیگر و روابط این افراد با اشیاء و نیز آثار و نهادها و مناسبات ناشی از اینهاست» (فروند و کاردان، ۱۳۹۳: ۳-۴).

این تعریف هم علوم انسانی تئوریک و مولد و هم علوم انسانی مصرف کننده را شامل می شود؛ یعنی علمی چون جامعه شناسی، روان شناسی، اقتصاد، علوم تربیتی و علوم سیاسی را که بیانگر تئوری هایی در باب روابط میان انسانها و رفتارهای آدمی است و هم علمی مانند بانکداری، مدیریت تاریخ و غیره را که مصرف کننده آن تئوریها می باشند در برمی گیرد.

برخی از نویسندگان در تعریف علوم انسانی گفته‌اند علوم انسانی؛ علمی هستند که رفتارهای جمعی و فردی ارادی و غیرارادی و آگاهانه و ناآگاهانه انسان را در قالب نظم‌های تجربه پذیر می‌ریزد، جامعه‌شناسی، اقتصاد، علوم تربیتی، سیاسی، روان‌شناسی و روان‌کاوی در این تعریف وارد می‌شوند (عبدالکریم، ۱۳۹۳: ۲۴). با این تعریف روشن می‌شود که اولاً علوم انسانی تئوریک و مولد موردنظر است، نه علوم انسانی مصرف‌کننده تئوریکها مانند، بانکداری مدیریت و غیره؛ ثانیاً فلسفه و الهیات و دانشهای اعتباری مانند، حقوق، اخلاق، زبان و ادبیات نیز از علوم انسانی خارج می‌گردند (همان، ۱۷).

### خلأ‌های موجود در حوزه علوم انسانی

ناتوانی‌های علمی و مهارتی و کمبودهای فیزیکی نهادهای آکادمیک نسبت به علوم انسانی؛ نبود سیاست‌گذاری علمی و ناتوانی در ایجاد هماهنگی بین مؤلفه‌های گوناگون در فرایند علمی و اجرایی تحقق علوم انسانی اسلامی؛ نبود استادان و متخصصین آشنا به علوم انسانی اسلامی و آگاه نسبت به روش‌شناسی تولید آنها؛ کمبود منابع درسی و ضعف آموزشی دروس علوم انسانی نسبت به نیازهای جامعه اسلامی، هر یک از این آسیبهای پیش‌گفته می‌تواند از تولید و توسعه علوم انسانی اسلامی ممانعت کند. محققان و پژوهشگران در کنار تحقیق آسیب‌شناسی مبانی علوم انسانی باید به کشف و تحقیق آسیبهای پیشنهادی بپردازند تا به پارادایمی از آسیبهای علوم انسانی دست یابند و بر مجموعه آسیبها؛ سیاستهای درمانی و تهنیدی و تکمیلی طراحی و اجرایی شود (خسروپناه، ۱۳۹۴: ۲۶۵).

### قلمرو اسلام در عرصه علوم انسانی

گرچه به راحتی می‌توان ثابت کرد یا دیگران را قانع کرد که دین درصدد اثبات علوم تجربی و طبیعی نیست زیرا این امور به هدایت انسانها ارتباطی ندارند تا دین تولید اثبات آنها را بپذیرد؛ اما این سخن در حوزه علوم انسانی محل بحث است؛ زیرا دین برای هدایت انسانها نازل شده، پس نمی‌تواند به علوم انسانی نپردازد؛ ولی آیا واقعاً همه مسایل علوم انسانی به هدایت انسانها ارتباط دارند و آیا در کشف مسایل علوم انسانی باید به تعطیلی عقل و تجربه پرداخت و همه آن مسائل را از طریق قرآن و سنت به اثبات رساند. یکی از اساسی‌ترین لوازم تربیت فکری نسل‌های آتی در مسیر اسلامی آماده‌سازی محتوای نظری مورد نیاز برای ایشان است.

با توجه به اینکه تأمین چنین نیازی، خود محتاج بهره‌گیری از شاخه‌های مختلف علوم انسانی است، اهمیت پرداختن به اسلامی‌سازی علوم انسانی کاملاً هویدا می‌گردد. چه بدون تحقق این مهم عملاً پایه‌ی نظری مورد نیاز برای حرکت در مسیر آماده‌سازی نسل‌های آتی، خصوصاً در حوزه‌ی فکر و اندیشه وجود نخواهد داشت. تولید پژوهش‌های معرفتی و راهبردی معطوف به این مهم است. در مسیر یک جهاد فکری و اعتقادی منسجم و متقن با پاسخگویی مستدل و منطقی به پرسشها و مسئله‌های کنونی جامعه‌گره‌گشایی از معضلات فکری و نظری و شبهه‌زدایی و تولید تحلیل و تأملات سالم و پالوده از کج‌اندیشی و انحراف گام بردارد (آقا بیگی کلاکی، ۱۳۹۵: ۱۰).

مقصود از دین در این بحث عبارت است از مجموعه عقاید، آموزه‌ها و ارزش‌های آسمانی و الهی که از سوی خداوند متعال نازل شده و از تحریف مصون مانده است که مصداق آن اسلام است و مقصود از علوم انسانی نامی است که به طیفی از معارف بشری مربوط به شناخت انسان اطلاق می‌شود. این رشته مانند علوم طبیعی با روش تجربی به مطالعه انسان می‌پردازد. شاید بتوان آن را با انسان‌شناسی تجربی مترادف دانست. البته باید اضافه نمود که تقریباً همه متخصصان و فیلسوفان علوم انسانی پی برده

اند که علوم انسانی تجربی محض نیستند و ترکیبی از روش تجربی و روش عقلی در آن به کار می رود. آیه شریفه ۹۶ سوره مبارکه اعراف می فرماید: «و لو ان اهل القرى آمنوا واتقوا لفتحنا عليهم بركات من السماء والارض»؛ و اگر اهل شهرها و آبادیها، ایمان می آوردند و تقوا پیشه می کردند، بركات آسمان و زمین را بر آنها می گشودیم. یعنی رابطه ای بین تقوا و ایمان از یک سو و بركات مادی از سوی دیگر موجود است. این آیه بیانگر گزاره ای اجتماعی است که قرآن از آن خبر داده است. اگر رابطه تقوا و نعمت و برکت تکرارپذیر و تجربه پذیر باشد؛ می توان این گزاره را یک گزاره علوم انسانی دانست (خسروپناه، ۱۳۹۴: ۲۶۵).

### آموزش عالی و فرهنگ دانشگاهی

از جمله اصطلاحات پرکاربرد آموزش عالی فرهنگ دانشگاه است. «فرهنگ» دانشگاه را می توان شخصیت یک سازمان در نظر گرفت از طریق مشاهده معماری ساختمان تعمیر و نگهداری تأسیسات محوطه دانشگاه و تعاملات دانشجویی و نحوه پوشش به دست آورد.

در سطح دانشگاه می توان فرهنگ را به عنوان ارزشها و باورهای ذی نفعان دانشگاهی (برای مثال مدیران، اساتید دانشجویان اعضای هیئت مدیره و کارکنان پشتیبانی) براساس سنت و آنچه به صورت کلامی و غیرکلامی ردوبدل میشود تعریف کرد؛ فرهنگ دانشگاه به ما اجازه میدهد تعاملات افراد خارج از سازمان و رویدادهای خاص، اقدامات اهداف و شرایط را به شیوه متمایزی درک کنیم. فرهنگ دانشگاه در اساس از سه منبع، عقاید ارزشها و مفروضهای بنیان گذاران سازمانها و تجارب یادگیری اعضای گروه در ضمن تکامل سازمانشان ناشی میشود. فهم فرهنگ، دانشگاه تحلیل ساختارها و فرایندهای مدیریت را تسهیل می کند. فرهنگ دانشگاه دلالت بر ارزشها و باورهای اعضای دانشگاه دارد که در فرایندی تاریخی شکل می گیرد و از طریق زبان یا نمادها انتقال می یابد. این ارزشها و باورها به شدت بر فرایند تصمیم سازی در دانشگاه ها تأثیر دارد.

### چالش های دانشگاهی در ایران

دانشگاه در ایران به عنوان یکی از نشانه های مدرنیته، فرازونشیب های زیادی را از سر گذرانده است. فارغ از این نگاه تاریخی که در جای خود اهمیت دارد در یکی دو دهه گذشته نیز شاهد تحولات گسترده ای در ساختار و سرشت نظام دانشگاهی و آموزش عالی بوده ایم که چالشهای عمده ای را با خود به همراه داشته است و از آن جمله می توان به استقلال دانشگاهی، ناکارآمدی و بحران مشروعیت چالش مسئولیت پذیری اجتماعی و سرانجام چالش کمیت و کیفیت اشاره کرد. این چالشها زنجیروار به هم مرتبط هستند و خواه مستقل یا در ارتباط با همدیگر بالقوه قابلیت ایجاد بحرانی تمام عیار را در نظام علمی و آموزشی کشور دارند. خاستگاه و منشأ این چالشها را می توان به چالش سنت و مدرنیته نامتناسبی دانشگاه با زمینه های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی ایران و به عبارتی وارداتی بودن و شکل نگرفتن طبیعی و تکاملی آن از دل نهادهای سنتی آموزشی، نبود تفکیک نهادی بین علم و سایر نهادها و گسترش بی ضابطه آموزش عالی نسبت داد (همتی، ۱۳۹۶: ۸-۹).

در نظام آموزشی کشور جمهوری اسلامی ایران، دانشگاه ها نقشی بی بدیل در تربیت نیروی انسانی مورد نیاز جامعه ایفا می کنند. «دانشگاه ها به عنوان مهم ترین مکان پرورش نیروی انسانی متخصص و کارآمد نقش بسیار مهمی را در این زمینه ایفا می کنند. منشأ تحول و توسعه جامعه در عرصه های مختلف دانشگاه بوده و دانشجویان به عنوان مهره های اصلی دانشگاه در آینده ارکان مختلف جامعه و سازمانها را مدیریت میکنند (شریفی و همکاران؛ ۱۳۹۹: ۷۶). در دنیای امروز نقش علایق و انگیزه

ها در انجام کلیه امور امری بدیهی و روشن است. ادامه تحصیل و دستیابی به مدرک تحصیلی دانشگاهی بالاتر نیز از این قاعده مستثنی نیست. در این بین علل متنوعی برای ادامه تحصیل وجود دارد.

### اهمیت زبان عربی

زبانها برای انتقال معانی و حقایق قابلیت یکسانی ندارند چنان که قابلیت انسانها برای دریافت معارف متفاوت است، قابلیت زبانها نیز به عنوان یکی از ابعاد انسان از حیث قوت و صلابت رسایی و جذابیت، متانت و ظرافت اعتدال و، موزونی، حسن همنشینی حروف و کلمات متفاوت است.

**ابوریحان بیرونی** می گوید: « علوم را از همه سرزمین های جهان به زبان عربها نقل کرده اند؛ آنها خود را آراسته اند، دلبسته شده اند و زیبایی های آنها در شریانها و رگها دویده است؛ هر چند که هر ملتی گویش خود را زیبا می پندارد به آن خو گرفته و به هنگام نیاز همراه معاشران و امثال خود آن را به کار می برد. من این را با خود قیاس می کنم اگر علمی به آن زبان (خوارزمی) که مطلوب طبع من است جاودانه شود، چنان بیگانه نماید که شتر بر ناودان و زرافه در آبراهه. پس به زبان های عربی و فارسی پرداختم؛ در هر یک از آنها که تازه وار شدم به زحمت آنها را آموختم، اما نزد من دشنام دادن به زبان عربی خوش تر از ستایش به زبان فارسی است. درستی سخنانم را کسی در می یابد که یک کتاب علمی نقل شده به فارسی را بررسی کند، همین که زرق و برقیش ناپدید شد معنایش در سایه قرار می گیرد» (بیرونی، ۱۶۸).

دیدگاه استاد مطهری در مورد ضرورت حفظ زبان عربی و خطر جریان عربی زدایی نیز این است: « زبان عربی زبان عرب نیست زبان اسلام است اگر قرآن نبود، اصلا این زبان در دنیا اهمیت و وجود نداشت. از اهم وظایف ما این است که این زبان را حفظ کنیم هر فرهنگی هر تمدنی اگر بخواهد زنده بماند باید زبانش زنده بماند؛ اگر زبانش مرد، خودش مرده است این مبارزه علنی را که با زبان عربی می بینید باید بیدار بشوید، باید بفهمید باید شعور داشته باشید، عقل داشته باشید؛ والله این مبارزه با اسلام است» (مطهری، ۱۳۷۶: ۵۸۸).

### تاریخچه آموزش زبان عربی در ایران

آموزش زبان عربی بخشی از آموزش علوم انسانی در نظام تعلیم و تربیت محسوب می شود. آموزش زبان عربی در ایران از سه مرحله تاریخی عبور کرده؛

- ۱- آغاز تا تأسیس دارالفنون که آموزش زبان معطوف به موضوعات دستوری و بلاغی بود.
- ۲- از تأسیس دارالفنون تا پیروزی انقلاب اسلامی که تغییراتی در وضعیت آموزشی این درس و درسهای دیگر و محتوای متون آموزشی ایجاد کردند. زبان عربی به عنوان یک رشته آموزشی دانشگاهی جان تازه ای به خود گرفت و به تدریج پس از مدتی رشته آموزش زبان عربی پا به عرصه وجود گذاشت.
- ۳- از پیروزی انقلاب اسلامی تا امروز؛ در مراکز تربیت معلم رشته دینی و عربی ایجاد گشت. فارغ التحصیلان این رشته به عنوان فوق دیپلم برای مقطع راهنمایی تربیت می شدند پس از مدتی این تربیت شدگان با گذراندن چهار نیمسال آموزشی دیگر و گذراندن دروس مربوط به زبان عربی موفق به گرفتن مدرک کارشناسی می شدند (دانشگاه فرهنگیان، ۱۳۹۵)، به تدریج همزمان با استقلال مراکز تربیت معلم و تبدیل آنها به دانشگاه فرهنگیان، رشته آموزش زبان عربی هم به عنوان یک گروه آموزشی مستقل شکل گرفت و مسؤولیت

تربیت نیروهای شایسته برای تدریس ماده عربی در مدارس را برعهده گرفت (همان، ۵).

بنابر نص صریح قانون مهمترین هدف آموزش زبان عربی در ایران چیزی جز آشنایی با مفاهیم قرآن و حدیث نیست، (ورعی، ۱۳۸۵: ۲۴۴). افزایش توان دانشجو در برقراری ارتباط و نگارش مقالات تقویت نگارش به زبان فارسی جهت ترجمه بهتر متون آموزش مهارت‌های معلمی، آشنایی با فنون و مهارت‌های، تدریس کسب توانایی در شش حوزه زبانی، دیدن گوش، دادن، گفتن نوشتن فکر کردن نقد کردن زبان)، احاطه بر دانش‌های ادبی توانایی استفاده از شیوه‌ها و شگردهای آموزشی، به کارگیری اصول و مبانی تربیت اسلامی کسب قدرت درک فهم و تحلیل متنهای نظم و نثر ادب عربی و رسیدن به شایستگی‌های لازم برای روان سازی و انتقال مناسب آنها به دانش آموزان، بیان ارتباط میان زبان فارسی و عربی و تأثیر گذاری ادبیات عربی بر این زبان ضمن بهره مندی از قواعد و متون زبان و ادبیات عربی، از جمله اهداف به روز شده آموزش زبان عربی در دانشگاه فرهنگیان است (دانشگاه فرهنگیان، ۱۳۹۵: ۷).

### رشته زبان و ادبیات عرب

علل انتخاب رشته تحصیلی با توجه به نوع رشته و مقطع تحصیلی در جوامع کنونی بسیار متفاوت و متنوع است. بررسی علل و انگیزه‌های انتخاب یک رشته در مقطع کارشناسی و ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر، می‌تواند به بازنگری در فرایندهای مختلف مرتبط با رشته مانند فرایند جذب و گزینش داوطلبان یا نحوه ارائه برنامه‌های آموزشی کمک شایانی نماید. رشته زبان و ادبیات عربی یکی از رشته‌های حوزه علوم انسانی است که در اکثر دانشگاه‌های کشور تدریس می‌شود.

اساتید نقشی بارز در ایجاد انگیزه در میان دانشجویان دارند و به علت سطح آشنایی بیشتر و بالاتر با یک رشته، می‌توانند مشاغل مناسب با یک رشته را به دانشجویان پیشنهاد دهند؛

رشته زبان و ادبیات عربی متأسفانه یکی از رشته‌هایی است که علی‌رغم داشتن پتانسیل اشتغال بالا از این جنبه مهجور مانده است در حالی که تنها در بخش گردشگری مانند گردشگری سلامت، اقتصاد و خرید و فروش و تبلیغات و ترجمه می‌توان ضمن ایجاد اشتغال، در آمد متناسب با شغل را نیز کسب کرد.

نتایج نشان می‌دهد بیشتر دانشجویان معتقدند که اساتید این رشته در ترغیب آنها برای یافتن کار متناسب، نقش دارند که با برگزاری کارگاه‌های آموزشی می‌توان این رقم را به سطح مطلوب خویش نزدیک ساخته و اساتید و دانشجویان این رشته را با سایر حوزه‌های اقتصادی و مالی آشنا ساخت.

دانشگاه تهران در سال ۱۳۹۱ تصمیم گرفت زبان عربی را از دانشکده ادبیات به زیر مجموعه زبانهای خارجی انتقال دهد. این انتقال صرفاً یک تغییر اداری نبود، بلکه حاکی از غلبه یک تفکر. است در این اقدام چند پیام نهفته شده است اول اینکه زبان عربی در ردیف زبانهای نظیر انگلیسی و روسی قرار دارد؛ دوم اینکه زبان عربی صرفاً یک زبان است و ابعاد دینی و اعتقادی آن نادیده گرفته شده است.

امروزه جریان ویراستاری – البته افراطی آن با معادل سازی همه لغات متداول عربی به فارسی، آگاهانه یا ناآگاهانه همسو با عربی زدایی گام بر میدارد از آنجا که امروزه کتب نشریات و مطبوعات چاپ شده همه با ویراستاری چاپ میشوند، لذا در متون معاصر به وضوح شاهد کاهش شدید لغات مفاهیم عربی. هستیم هرچه این جریان به جلو میرود، لغات عربی در آن کم رنگتر می- شود. گاه مشاهده میشود که این جریان بیش از آنکه به عمق فرهنگ و ادب فارسی آشنا باشد، برخاسته از احساسات و

ناسیونالیستی است. به نظر می آید بخشی از جریان عربی زدایی تعمدی و سیاسی است که توسط جریان‌ات خارج از کشور هدایت می شود (صادقی، ۱۳۸۶: ۸۴).

فرهنگستان زبان فارسی باید بین ورود لغات انگلیسی و عربی تفاوت قائل شود. لغت انگلیسی برای فارسی زبانان مهمان ناخوانده است، اما استعمال لغات عربی نه تنها منافاتی فارسی نویسی، ندارد بلکه به کارگیری آن موجب قوت و غنای این زبان شده است. فارسی و عربی چه به عنوان دو زبان همسایه و چه به عنوان دو زبان در قلمرو یک فرهنگ دینی میبایست با یکدیگر رابطه و داد و ستد داشته باشند؛ چنانکه داشته اند و می بایست بسیاری از واژه ها را از یکدیگر بگیرند؛ چنانکه گرفته اند (آشوری، ۱۳۷۲: ۱۱۰).

### ضرورت اهمیت مضاعف به زبان عربی

ما زبان عربی را زبان خود و زبان تمدن مسلمانان در طول قرون متمادی می دانیم و هیچ گاه آن را یک زبان بیگانه تلقی نمی کنیم؛ زیرا نزدیکی آمیختگی و اشتراک میان دوزبان فارسی و عربی حکایت از پیوند عمیق چندین هزار ساله دارد، زبان عربی به عنوان زبان برگزیده، خداوند زبان، دین فرهنگ و میراث ارزشمند اسلامی ماست. غنا و پویایی این زبان، ساختار بدیع و پرجاذبه اش استحکام و استواری اش در نظام زبانی از ویژگیهای لاینفک و قابل توجه این زبان است که به آموزش و فراگیری این زبان اهمیت زیادی بخشیده است.

امروزه گسترش ابزارهای ارتباط جمعی همچون شبکه های ماهواره ای پایگاههای اطلاع رسانی اینترنت مجلات و نشریات گوناگون و نیز پیوند و ارتباط همه جانبه با کشورهای عربی ضرورت آموزش زبان عربی و اهمیت فراگیری آن را دو چندان کرده است ولی متأسفانه تلاشهای انجام شده توسط دست اندرکاران آموزش زبان عربی همچنان ناکارآمد است و تاکنون فضای مناسبی برای بهبود و کیفیت بخشی به این زبان و تغییر و تحول بنیادی در آن بوجود نیامده است.

در حال حاضر در مراکز آموزشی ما متوسطه اول و متوسطه دوم چندین سال زبان عربی تدریس میشود و چه بسا افرادی نیز در دانشگاه به آموختن این زبان مبادرت می ورزند و بعد از گذشت سالها از بیان و نوشتن ساده ترین جملات به زبان عربی عاجزند.

یکی از عوامل بسیار مهم این ضعف و ناتوانی این است که گویی هنوز به طور دقیق پویایی و غنا استحکام ساختار، بدیع تنوع در تعبیر، دقت و ظرافت های زبان عربی درک نشده است. در گذشته نه چندان دور صرفاً به آموزش یکسری قواعد خشک و بی روح در قالب قواعد صرف و نحو عربی آن هم به روش سنتی اکتفا میگردید و در حال حاضر در کتابهای جدید التالیف متأسفانه فقط ترجمه را محور کار قرار داده اند. و قواعد عربی را در حد غیر معقولی نادیده انگاشته اند که با توجه به نظر بسیاری از معلمان همه سردرگم و حیران مانده اند که بالاخره چه باید بکنند؟! و با تأسف بسیار تاکنون این امکان برای فراگیران زبان عربی ایجاد نشده که روح زبان را در زندگی روزمره و ارتباطات خود حس کنند؛ زیرا به چهار مهارت زبان آموزی (خواندن، شنیدن گفتن و نوشتن) در آموزش زبان عربی به طور هم زمان توجه نشده و نمی شود.

شایان ذکر است که یادگیری زبان عربی به عنوان زبان دوم برای فارسی زبانان مانند هر زبان دیگری نیاز به رعایت اصول و قوانین زبان آموزی و زبان شناسی دارد، با توجه به این که زبان عربی از دقیقترین و قانونمندترین زبانها محسوب میشود، هر معلمی برای آموزش آن باید اصول و قوانینی را بداند و ساختارهای این زبان را به طور دقیق بشناسد تا بتواند آن را به مخاطبان



خود منتقل نموده و در نتیجه بفهماند و هر متعلمی نیز وظیفه دارد برای یادگیری خود را تابع قوانین و اسالیب دقیقی بداند تا در فرایند یادگیری زبان عربی موفق گردد (رحمانی، ۱۳۹۵: ۸-۱۱).

### اهداف اساسی از آموزش زبان و ادبیات عربی

هدف نهایی آموزش زبان عربی فقط فراگیری قواعد صرفی و نحوی نیست؛ لذا نباید تمام سعی و تلاش خود را صرف فهم تقدیرات تأویلات و محذوفات کرد فهم قواعد وسیله ای برای صحت، اسلوب سلامت ترتیب ها و استحکام زبان از لغزش و انحراف است خالی بودن گفتار از اشتباهات متوقف بر شناخت قواعد نحوی است.

از سوی دیگر فهم معنی چه از طریق، خواندن چه شنیدن چه گفتگو و نقش کلمه در جمله بر یادگیری قواعد صرفی و نحوی بنا نهاده شده است (احمد السید، ۱۹۸۰: ۱۱۹).

باید توجه داشت که بسیاری از ویژگیهای زبان صرفاً از طریق آموزش فرا گرفته نمی شود بلکه زبان آموز باید به طور واقعی در موقعیت طبیعی قرار گیرد تا فرصت یابد با تمرین و ممارست و ایجاد ارتباط زبانی، زبان خود را تقویت کند. زبان آموزان در کلاسها قواعد زیادی را می آموزند که این قواعد در حافظه به صورت غیر فعال ذخیره می شود و تنها اندکی از آنها به کار می رود هر چقدر مقدار تمرین و کاربرد زبان بیشتر باشد، تعداد واژه ها و قواعد فعال بیشتر می شود و زبان آموز مهارت بیشتری برای بیان احساسات و تفکرات خود کسب می کند (مشکوه الدینی، ۱۳۷۳: ۲۸۶).

یکی از مسائل بسیار مهمی که باید در یادگیری فراگیران به آن توجه اساسی داشت نقش انگیزه است، مطالعات پژوهشی ثابت کرده اند؛ فراگیرانی که فرهنگ و مردم وابسته به زبان خارجی مورد مطالعه خود را دوست داشته باشند و بخواهند با جامعه ای که در آن به آن زبان تکلم میشود آشنا شوند و به اصطلاح انگیزه یکپارچه دارند بیشترین موفقیت را کسب میکنند نسبت به فراگیرانی که هدفشان از یادگیری زبان خارجی بیشتر کاربرد آن است مانند گذراندن واحد درسی یا آماده شدن برای کنکور. این عده که به اصطلاح دارای انگیزه وسیله ای هستند موفقیت چندانی در کلاسهای زبان خارجی کسب نمی کنند البته علاوه بر اینها میزان قرار گرفتن در معرض زبان دوم نیز اهمیت دارد و هیچ کس نمی تواند بدون این که به اندازه کافی در معرض زبانی قرار گیرد بر آن مسلط شود (گرچی، ۱۳۷۵: ۱۹).

با توجه به شیوه سنتی که معلمان ما در آموزش زبان عربی به کار میبرند چنین به نظر میرسد که در حال حاضر تنها هدف آموزش قواعد است. هیچ توجهی به جمله بندی و جمله سازی که مهمترین اصل در آموزش هر زبانی است نمی شود. زبان عربی دارای ویژگیها و خصوصیتی است که شاید کمتر زبانی دارای این ویژگیها باشد به طور قطع دانستن و رعایت این اصول بار سنگینی را از روی دوش فراگیران بر می دارد و به فهم هر چه بهتر آنها در دروس مختلف کمک می کند.

### فرهنگ و انواع آن

معنای امروزی فرهنگ - که در علوم انسانی مدرن شکل گرفته - دلالت دارد بر این که فرهنگ به اصطلاح منطقی قدیم، «فصل جداگر انسان از حیوان است. بی گمان انسان از آغاز تاریخ تمدن با جدا شدن از طبیعت و چیره شدن بر آن از راه کشاورزی و دامپروری و بنا کردن روستاها و شهرها بر جدایی خود از عالم حیوانی آگاه شده و از همان دوران برای خود جایگاهی برتر در هستی شناخته است. در واقع انسان موجودی است طبیعی است که از راه فرهنگ بر طبیعت درون (غریزه) و

بیرون آگاه گشته و با بیرون آمدن از این طبیعت گام به گام مرحله های تکامل فرهنگی را پشت سر گذاشته است (ولایتی، ۱۳۸۳: ۲۹-۳۱).

فرهنگ را از جهتی به «فرهنگ مادی» و «فرهنگ معنوی» بخش بندی کرده اند. فرهنگ مادی را شامل همه وسایل و ابزارهای مادی و آنچه به دست بشر از ماده طبیعی ساخته می شود و شیوه ها و فرایندهای ساخت و ساز آنها می دانند و فرهنگ معنوی را شامل ارزشها، باورها، اندیشه ها و فن ها یعنی آداب و سنتها، علوم و فلسفه و ادبیات و هنر و همه فرآورده های ذهنی انسان. بنابراین فرهنگ شامل همه سازمایه های (Elements) مادی و معنوی زندگی اجتماعی است که فرد انسانی در درون آن زاده و پرورده می شود و از این راه دارای آن چیزی می شود که در اصطلاح روان شناسی «شخصیت» می نامیم. از این راه به فرد انسانی چیزی ارزانی می شود که نام آن «هویت» فرهنگی است و این هویت کل گرایشهای رفتاری او را به او می بخشد. هماهنگی از درون و پذیرش باطنی ارزشهای یک نظام در همه مراتب اجتماعی است که جامعه ای بهنجار و کارآمد می سازد که به سوی هدف خود در حرکت است. چنین جامعه ای می تواند پایه گذار یک فرهنگ یا تمدن جهانی باشد و در سرآغاز یک مرحله بزرگ تاریخی قرار گیرد. به عکس در فرهنگ بیمار که ارزشها و هنجارها، معنای درونی خود را از دست داده اند و فرد بدون باور به آنها، آنها را همچون نقاب هایی در رفتار و رابطه اجتماعی به کار می گیرد (همان).

### تمدن و عوامل مؤثر در پیشرفت یا انحطاط آن

واژه "تمدن" معانی مختلفی را در بر می گیرد، اما اصلی ترین معنایی که محققان بر آن اتفاق نظر دارند شهرنشین شدن و اقامت در شهر است بر همین، پایه این کلمه معادل واژه «شهر آیینی» (civilization) و به معنای «حسن معاشرت (civility)» است. این واژه از کلمه لاتین «Civilis» که برگرفته از «Civis» یا «Civitas» یعنی شارمند می باشد.

تمدن را می توان محصول تلاش جمعی بشر دانست که برای رسیدن به عالی ترین مرتبه کمال انسانی و نخستین مرحله اجتماع کامل زندگی مدنی همه استعدادها و خلاقیت های خود را به کار می گیرد.

بدین ترتیب از عناصر مهم تشکیل تمدن بشری در درجه نخست علم و سپس قدرت و توانایی برای اجرای علم. است همچنین تلاش و پشتکار جمعی برای فعال نمودن نیروی خلاق که بشر برای تداوم حیات همواره بدان نیازمند است.

از تمدن هایی که مسیر تکاملی خود را به درستی پشت سر نهاده و مهمترین عوامل سازنده و تداوم تمدن چون دین و اخلاق را نادیده انگاشته اند، تعادل میان مظاهر مادی و معنوی تمدن را برهم زده و سرانجام به افول گراییده اند. اقوامی چون عاد، ثمود، مدین و سبا نیز از این دسته اند؛ چنانکه قرآن کریم برای عبرت آموزی از آنها یاد می کند و سرگذشتشان را به عنوان نمونه برای تبیین قوانین تاریخی و تمدنی متذکر می شود. از این رو عوامل مؤثر در پیشرفت یا انحطاط تمدنها شامل؛

### (الف) عوامل پیشرفت تمدنها

با بررسی تاریخ سرگذشت حیات بشری و چگونگی سیر تکوین تمدنها و نظامهای اجتماعی میتوان مراحل تولد رشد بالندگی و انحطاط آنها را ترسیم کرد. قرآن کریم نیز این حرکت ادواری تاریخ را بدین سان می پذیرد. « وَ لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ » (الاعراف (۷): ۳۴). و برای هر امتی اجلی است؛ پس چون اجلشان فرا رسد نه می توانند ساعتی از آن تاخیر می کنند و نه برآن پیشی می گیرند.

عوامل پیشرفت تمدن ها را این گونه می شود باز گفت (ابن خلدون، ۱۳۷۵: ۲۹۷-۲۸۳).

- ۱- علم و توسعه دانش
- ۲- تعقل و خردگرایی
- ۳- ساختار مناسب اجتماعی
- ۴- سازمان فعال اقتصادی
- ۵- توسعه رفاه عمومی و گسترش عدالت
- ۶- تبعیت از سنن اخلاقی منبعث از متن جامعه و موافق با فطرت آدمی.
- ۷- پایبندی به اصل وحدت و یکپارچگی اجتماعی
- ۸- توسعه نظم اجتماعی
- ۹- تبعیت جمعی از قوانین اجتماعی
- ۱۰- رعایت حقوق دیگران و احترام به آن
- ۱۱- پرداخت حقوق متقابل دولت و مردم
- ۱۲- پرهیز از خودکامگی دولتمداران و خودداری از ستم‌پیشگی
- ۱۳- نگاهبانی از حدود سرزمین و تقویت بنیاد نیروی نظامی

#### (ب) عوامل انحطاط تمدنها

بدیهی است هر تمدنی را آسیب و آفاتی است که همواره جامعه را تهدید میکند و به سوی انحطاط و زوال می کشاند (سبحانی، ۱۳۸۳: ۳۵۵).

عوامل انحطاط:

۱. دوری از خدا و روی آوردن به شرک و بت پرستی
۲. تعصب و تبعیض
۳. اختلاف طبقاتی
۴. حرص و آزمندی
۵. نفاق و تفرقه
۶. پایمال نمودن حق مستضعفان و محرومان (ابن خلدون، ۱۳۷۵: ۲۹۷-۲۸۳).

#### فرهنگ و تمدن اسلامی

واحدی برای مطالعه و اندیشیدن کلان درباره زیست گذشته مسلمانان در قرون متمادی پس از ظهور اسلام عزیز است. اینکه اسلام به فرهنگ و تمدن چه نگاهی دارد با اینکه تجربه زیسته مسلمانان چه فرهنگ و تمدنی را نمایان ساخته است، از تمایز مقام ثبوت و مقام اثبات تمدن اسلامی حکایت دارد. بی تردید بعثت رسول خدا، آموزه های متعالی و گستره جهانی آن و نیز نهاد خلافت و امامت الهی پس از آن، هردو در مقام ثبوت و اثبات تمدن اسلامی نقش آفرین بوده است (اسعدی، ۱۴۰۱: ۶).  
علاقه و اشتیاق به، پیشرفت در ذات و نهاد همه مردم و ملل است؛ زیرا آفریدگار آدمیان، انسان را بر سرشت کمال خواهی آفریده و توان رشد را نیز در وجودش نهاده است. با این همه گاهی انسان با نگرش معیوب و جبر محیط و زمانه می پندارد که

نمی تواند در مسیر پیشرفت و کمال گام بردارد. گاه نیز شرایطی رقم می خورد که جامعه ظرفیت پیشرفت را در خود نمی بیند و بر این گمانه است که وضعیت موجود تغییر ناپذیر است؛ در حالی که تجارب تلخ و شیرین تاریخی واقعیتها را آشکار می سازد و ظرفیتها را نشان می دهد و فرصت و تهدید را با هم پیش رو می نهد.

اینک همه ایرانیان و از جمله دانشجویان، خود را در جهانی می بینند که به شدت نیازمند تغییر و تحول است؛ باید تحولی ایجاد شود، اما شاید نداند از کجا و چگونه باید تحول را بیازد و چگونه باید در ساخت جهانی بهتر مشارکت کند و در همین تحیر گاه تحول خواهی را کنار نهاده و کلان نگری را با عطف توجه به نیازهای شخصی، عقیم و ناسودمند می سازد.

در این گیرودار گاه افراد شاخصی را می بیند که با نگاهی فراتر از نیازهای شخصی و اهداف فردی، نقش آفرینی خود را به گستره شهری و سرزمینی و حتی منطقه ای و جهانی امتداد داده اند (همان، ۱۵).

### اجزای تکاملی فرهنگ در مجموعه های انسانی - دانشگاهی

فرهنگ در هر مجموعه انسانی از اجزایی تشکیل شده که هر کدام به دیگری وابسته است:

**یک. نظام باورها و نگرشها:** نخستین جزء فرهنگ شاکله کنشهای بشری در حوزه اندیشه و ذهن را تشکیل می دهد که به تصور و تفسیر او از جهان هستی مبدأ و معاد مرتبط نوع نگاه انسان به خویش و تمام حقایق پیرامونش از جهان هستی پایه های فرهنگ وی را تشکیل می دهد. در ادبیات دینی این نظام را «اصول دین» یا «عقاید» می شمارند که تقلیدی نبوده و بایستی براساس تعقل و استدلال شکل بگیرد.

**دو. نظام ارزشها و گرایشها:** براساس نوع اندیشه و منش فکری انسان ارزشهای وی شکل گرفته و گرایشهای او را تعیین می کند. در مقابل میدان نخست که حوزه فکر و ذهن انسان را می سازد، نظام گرایشها حوزه عواطف و احساسات او را تأمین و مشخص می کند و آنگاه ارزشها و ضدارزشهای، حقوقی اخلاقی و غیره بر این مدار مشخص می شود.

**سه. نظام رفتارها و آداب و رسوم:** براساس نوع نگرش و نوع گرایش انسان، نظامی از رفتارها در کنشهای خارجی وی شکل میگیرد برای مثال نوع پوشش، نوع گفتار، نوع مصرف و غیره همگی بروز فرهنگ انسان است که بخشی از عناصر ممیزه یک فرهنگ از فرهنگهای دیگر می باشد.

**چهار. نظام نمادها:** فرهنگ مجموعه ای از عناصر ملموس است که درواقع شاخصهای بصری یک فرهنگ شناخته می شوند (گولد، ۱۳۹۲: ۸۶۵)

بدیهی است که دانشگاه و آموزش عالی نقش مهمی را در پیشرفت فکری و نهایتاً انسانی هر کشور ایفا می کند. یکی از اهداف تحصیل در دوره های آموزش عالی تربیت متخصصان متفکر و خلاق است تا دست به خلق و ارائه ایده های تازه بزنند و افقهای جدیدی را برای یک زندگی فضیلت بار فراهم آورند؛ و بدین ترتیب جوامع انسانی را قوام بخشند تا در پرتو آن دانش خود نیز، بسط و تنقیح یابند. از این رو بررسی و مطالعه دانشگاه و مبانی فکری و تحولات تاریخی آن می تواند توسعه و گسترش دانش را به نحو انباشتی تعمیق بخشد؛ به ویژه اگر این دانش با رویکردی انتقادی و مبتنی بر نیازهای هر جامعه باشد (ایزدی و اوانز؛ ۱۳۸۶: ۴).

اگر رویکردی انتقادی به جامعه علمی خود داشته باشیم، می توان و شایسته است که مشکلات موجود و مذکور در دانشگاه های سایر کشورها را بررسی کرد و امکان سنجی ظهور و بروز آنها را در فضای زندگی و اندیشه خود به آزمون گذاشت. پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی با عطف توجه به مسئله دانش و دانشگاه آثاری از این دست را در کانون ترجمه و نشر قرار داده

فراهم آورد تا در پرتو توجه به مسائل و مشکلات احتمالی، خود پاسخها و راه‌حلهایی از پیش اندیشیده شده را در اختیار داشته باشیم (همان، ۵)

با تسلط هر چه بیشتر روح سرمایه‌داری در جهان غرب و قرار گرفتن کلیه منابع، ظرفیتها و نیروها در خدمت اقتصاد بازار آزاد قرار دارد. آنچه بیش از همه مدنظر دولتمردان کشورها قرار دارد تلاش برای کارآمدتر ساختن نهادها به اقتصادی است. از این رو کارشناسان علم مدیریت نظامهایی برای ساماندهی، کنترل و نظارت بر امور در سازمانها و نهادهایی پدید آورده‌اند تا به بیشترین کارایی با کمترین هزینه دست یافته. شود امروزه این نگرش با توجه به الزامات نئولیبرالیستی عصر حاضر تا آن اندازه فراگیر شده که حوزه علم و فرهنگ را نیز در بر گرفته است. کشور انگلستان از زمان به قدرت رسیدن خانم تاچر در ابتدای دهه (۱۹۸۰) تلاشی همه‌جانبه برای اشاعه اقتصاد نئولیبرالیستی را آغاز کرد و در حوزه دانشگاه ضمن وارد ساختن فرهنگ ارزیابی، ساماندهی و نظارت خواستار خودکفایی اقتصادی دانشگاهها و دریافت شهریه‌های بیشتر از دانشجویان گردید. این رویه در دولت کارگری تونی بلر نیز ادامه یافت. پیامد تسلط این نگرش در دانشگاه‌ها این بود که ایده «علم» برای «علم» به شدت تضعیف شد و دانشی ارزشمند تلقی گردید که در خدمت صنعت و اقتصاد باشد.

نظارت و کنترل بر عملکرد استادان دانشگاه، فضایی را در دانشگاه‌ها پدید آورد که بی‌شبهت به فضای حاکم بر پادگانها نبود. همه اینها حاصلی جز این در بر نداشت که فضا برای اندیشه خلاق تنگتر و تنگتر شود. دانشگاهیان مجبور شدند تحت کنترل و نظارت شدید در خدمت الزامات اقتصاد بازار قرار گیرند در نتیجه این کنترل و نظارت شدید، فضایی مسموم در دانشگاهها پدید آمد که آنها را از ابتکار و خلاقیت تهی ساخت.

### تأثیرگذاری فرهنگ و دانشگاه بر یکدیگر

توجه به رویکرد فرهنگی در محیطهای علمی و دانشگاهی و اساساً در نظر گرفتن فرهنگ به عنوان یک متغیر در آموزش عالی ابتدادر دهه ۱۹۸۰ که در آن جامعه جهانی بر اهمیت فرهنگ در مسیر توسعه و پیشرفت تأکید کرد و سپس از دهه ۱۹۹۰ با فراگیر شدن دانشگاه توده‌ای شدن آموزش عالی طرف توجه قرار گرفت. هم‌زمان با این تحولات، متزلزل شدن هویت رشته‌ای در حوزه دانش و گسترش رویکرد بین‌رشته‌ای میان رشته‌ای و فرارشته‌ای به ویژه در تبیین پدیده‌های نوظهور، پیچیده و چندوجهی بر اهمیت فرهنگ و بافت فرهنگی در شناخت مسأله و حل مسأله اجتماعی افزود.

از میانه دهه ۱۹۷۰ به این سو و در اثر عواملی مانند رشد آموزش متوسطه، گسترش آموزش عالی، بن‌بستهای اصلاحات آموزشی ظهور رویکردهای جدید، یادگیری، گرایش به دانش میان رشته‌ای و استقبال از نظریه‌های انتقادی مطالعات حوزه آموزش و مطالعات آموزش عالی از حیث تخصصی و کارکردهای صرفاً آموزشی و دانشی پا را فراتر نهاد و با ابعاد و مسائل فرهنگی و اجتماعی پیوند قابل ملاحظه‌ای پیدا کرد. برای نمونه در کشورهایی نظیر ایران دانشگاه با کارکردهای اجتماعی فرهنگی پیوند خورده و پدیده‌هایی مانند کنکور از پدیده‌ای صرفاً آموزشی به پدیده‌های اجتماعی-آموزشی تبدیل شده است. درسالهای پایانی قرن بیستم این رویکرد تقویت و رسمیت یافت بگونه‌ای که در بیانیه پاریس (۱۹۹۸) آموزش عالی به عنوان یک نهاد اجتماعی معرفی شد و بر این مبنا تعامل آن با فرهنگ و نهاد فرهنگی در کانون توجه متخصصان آموزش عالی قرار گرفت.

## تبیین رابطه بین فرهنگ و دانشگاه

درباره رابطه دانش، دانشگاه و فرهنگ سه دیدگاه عمده وجود دارد؛

نخست اینکه علم و فرهنگ نسبت چندانی با یکدیگر ندارند. زیرا هر یک از آنها، ساختار محتوا و منابع خاص خود را دارد.

در دیدگاه دوم فرهنگ و علم دو پدیده مستقل اما در ارتباط باهم هستند و از این رو، داد و ستدهایی با همدیگر دارند؛

اما دیدگاه سوم به عنوان یک رویکرد متأخر، علم و فرایندهای آموزش و یادگیری و بطور کلی نهاد آموزش با ابعادی از فرهنگ همبستگی و تعامل دارد. مثلاً دانشگاه زمینه ساز تولید و باز تولید نوعی از فرهنگ و سبکی از زندگی فرهنگی و اجتماعی است. ب نسبت دانشگاه با فرهنگ در پنج حیطه قابل بیان است که به اجمال به آن اشاره می شود:

**یکم؛** فرهنگ دانشگاهی که در نگاه روانشناسی اجتماعی از آن به نام فرهنگ سازمانی یاد میشود و عموماً به موقعیت و جایگاه فرهنگی و منزلت اجتماعی درون نهاد علم و آموزش فرهنگ حاکم بر مناسبات انسانی و کنشگران دانشگاه جو فرهنگ حاکم بر فضای دانشگاه هویت‌های متنوع فرهنگی درون دانشگاه بویژه دانشجویان و هویت‌های آکادمیک، رشته‌های و دانشکده ای اطلاق میشود.

**دوم؛** تعامل فرهنگ دانشگاهی با فرهنگ عمومی که در دانشگاه انبوه و تودهای معنای بیشتری پیدا می کند. در این دیدگاه حوزه عمومی فرهنگ و سبک زندگی فرهنگی را از طریق رسانه های عمومی محیط و ابزارهای هنری و نیز از طریق فشار فضای فرهنگی و جو اجتماعی بر پهنه دانشگاه وارد و نگرشها، احساسها و رفتارهای دانشجویان را به عنوان عاملان فرهنگی تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. در عین حال دانشگاه نگرشها و رفتارها و در وجه عام الگو زندگی دانشجویان و سبک مصرف فرهنگی دانشجویان را به شدت تحت تأثیر قرار می دهد. و از این طریق به تدریج از طریق محصول خود به شکل انبوه به جامعه باز می گرداند، بر فرهنگ عمومی فشار وارد می سازد و آن را دچار تغییر و دگرگونی می کند.

**سوم؛** کنش فرهنگ دانشجویی و فرهنگ رسمی که طیف آن از تعامل تا تعارض را دربرمی گیرد در این، وجه فرهنگ رسمی همواره درصدد انتقال و اعمال ارزشهای فرهنگی دینی و اجتماعی بر محیطهای دانشگاهی و دانشجویی است. دانشجویان در اشکال فردی و گروهی که در مواقعی بازتاب مشکلات و چالشهای زبانی قومی و دینی نیز است در تعامل یا تقابل با این فرهنگ رسمی قرار میگیرند. به عبارت دیگر، دولت از طریق سیاستگذاری و برنامه ریزی فرهنگی در پی اعمال فرهنگ مطلوب و مورد انتظار خود بر دانشگاهها و پذیرش و همراهی دانشجویان است اما گاه دانشجویان بنابر دلایلی همچون شکاف، نسلی، کاهش اعتماد متقابل برخورد سبک زندگی و بروز تعارضهای اجتماعی و سیاسی در مقابل فرهنگ رسمی قرار میگیرند و حتی در مقابل آن مقاومت یا اعتراض می کنند.

**چهارم؛** اجتماعی شدن یا جامعه پذیری که در تداوم کارکرد مدرسه رخ می دهد نیز یکی از کارکردهای فرهنگی و اجتماعی دانشگاه به حساب می آید، بویژه در دانشگاه توده ای انتظار این است که جامعه پذیری در سطح بالاتری مانند توانایی ارتباطات اجتماعی، مسئولیت پذیری، خیرخواهی، تعاون و مشارکت فعال در امور اجتماعی رخ دهد.

**پنجم؛** فرهنگ، آموزش یادگیری و پژوهش که انتظار می‌رود فرد در اشکال فردی و گروهی با تفکر، انتقادی تفکر خلاقانه، حل مسأله و فرهنگ، خردگرا، نظم خود تنظیمی بحث و گفتگوی علمی و تمرین خردگرایی آشنا شود و آن را به جامعه حمل نماید.

### نتیجه گیری

در این پژوهش بیان شد که علوم انسانی علم شناخت انسان متعارف است یعنی انسانی که در دسترس تجربه و آزمون قرار دارد و نیز رسته ای از معارف بشری است که درک رفتار منطقی انسان هدف آن است. از ضروریات زندگی بشر است که از زوایای گوناگون تاریخی، اجتماعی، کلامی و فلسفی قابل توجه می باشد. علوم انسانی را می توان در انواعی مانند: عقلی، تجربی، نقلی و شهودی نیز مورد بررسی قرار داد. علوم انسانی به ساحت جسم نمی پردازد بلکه با دوساحت روان و عمل انسان کار دارد و با مجموعه ای از معارف مانند: جغرافیا، زبان شناسی، تاریخ فلسفه، باستان شناسی و دانش آموزش و پرورش و... سروکار دارد که در مکانی به نام دانشگاه آموزش داده می شوند. دانشگاه در جامعه ما جایگاه ارزش ویژه ای بواسطه تعلیم و تربیت دانشجویان، تعامل فرهنگ و روابط انسانی، محیطی برای کارآفرینی اساتید، دانشجویان و اهالی دانش در کلیه سطوح علمی و رشته های مختلف دارد. در دانشگاه انواع و اقسام رشته های درسی وجود دارد تا دانشجو بتواند طبق علاقه و هدف خود یکی از آنها را انتخاب کرده و با آموزش و پژوهش و کسب معلومات بعد از فارغ التحصیلی به کسب کار و کارآفرینی روی آورد. علوم انسانی از جمله رشته های پر طرفدار در دانشگاه ها می باشد که رشته های گوناگونی دارد. یکی از این رشته ها و گرایش دانشگاهی رشته زبان و ادبیات عرب می باشد که بواسطه ارزشی که برای مسلمانان بعنوان زبان قرآن و دومین زبان دنیا دارد، مورد انتخاب دانشجویان علاقمند به این رشته و زبان می باشد. از جمله اهمیت های ویژه ای که آموزش و یادگیری این زبان دارد باعث می شود؛ نه تنها یک زبان یاد گرفته شود بلکه در مورد باورها و سنتهای دینی نیز بینش های تازه ای همگام با زمانه کنونی و حال به دست آید. هم چنین فارغ التحصیل این رشته می توانند وارد بازارکار در حیطه های ترجمه متون عربی، مترجم زبان، سفیر، تدریس، ویراستاری مقالات و متون عربی، گوینده اخبار عربی و بسیاری مشاغل نو بشوند و حتی کارآفرینی کنند. آموزش این زبان زنده و پویای دنیا می تواند دریچه ای را به سوی شناخت فرهنگ و تمدن کشورهای عرب منطقه و هم جوار کشورما باز کرده و اندیشمندانی را به جامعه تحویل دهد که در آشنا نمودن نسل آینده و آگاه کردن آنان نسبت به فرهنگ غنی و تمدن شکوهمند اسلامی اهتمام ورزند. رشته زبان و ادبیات عربی در ایران بازار کار مناسبی داشته و فارغ التحصیلان این رشته می توانند در سازمان های مختلف خصوصاً آموزش و پرورش استخدام شوند یا به عنوان استاد در دانشگاه ها مشغول به کار شوند. با توجه به اهمیت زبان عربی و جایگاه ارزشمند آن بین مسلمانان و نیز نقش آن در بهبود روابط کشور با همسایگان عرب منطقه و ایجاد کارآفرینی بعد از فراغت تحصیل، ضرورت تبیین و معرفی جایگاه این رشته در دانشگاه ها و جامعه برای اقشار مختلف علمی و غیر علمی ضروری به نظر می رسد و قابل تأمل و تبلیغ و ترویج است.

## منابع

- قرآن کریم.
- آشوری، داریوش، (۱۴۰۰) بازاندیشی زبان فارسی، چاپ دهم، تهران: نشر مرکز.
- ..... (۱۳۹۲). تعریفها و مفهوم فرهنگ، چاپ سوم، تهران: نشر آگه.
- آقا بیگی کلاکی، محمد (۱۳۹۵). مواجهه دانشگاه با تحول در علوم انسانی، ناشر: دیدمان.
- اساسنامه دانشگاه فرهنگیان، (۱۳۹۵-۱۳۹۰). متن اساسنامه دانشگاه فرهنگیان، تهران: دانشگاه فرهنگیان (مصوب جلسه ۷۰۴، ۱۳۹۰/۱۰/۰۶).
- اسعدی، مصطفی، (۱۴۰۱). تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، چاپ اول، قم: نشر معارف.
- ابن خلدون، (۱۳۸۲). مقدمه، مترجم، گنابادی، محمدپروین، چاپ دهم، جلد اول و دوم، تهران: ناشر علمی و فرهنگی.
- احمدالسید، محمود (۱۹۸۰م). الموجز فی طرق تدریس اللغه العربیه، چاپ اول، بیروت: ناشر العوده
- ایزدی، پیروز؛ اوانز، مری (۱۳۸۷). دانشگاه و رکوداندیشه، چاپ اول، تهران: ناشر پژوهشکده مطالعات فرهنگی اجتماعی.
- بیرونی، ابوریحان، (۱۳۸۳). الصیدنه فی الطب، چاپ هشتم، تهران: نشر آثار فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- تقی زاده، هدایت الله، (۱۴۰۰). مجله پژوهش در آموزش زبان و ادبیات عرب، سال دوم، ش ۳، صص ۲۲۳-۲۴۲.
- توکلی، محمودرضا و نویسندگان (۱۴۰۰). مقاله پژوهشی نگاهی به کارآمدی راهبردهای نوین آموزش عربی در ایران. سال سوم، ش ۴، تهران: نشر مجله پژوهش در آموزش زبان و ادبیات عرب.
- خسروپناه، عبدالحسین، (۱۳۹۴). فلسفه علوم انسانی (بنیادهای نظری)، قم: نشر معارف.
- رحمانی، زهرا، (۱۳۹۹). ناگفته های زبان عربی، چاپ سوم، تهران: انتشارات مجد.
- سبحانی، جعفر، (۱۳۸۳). منشور جاوید قرآن کریم، قم: انتشارات امام صادق (ع).
- سروش، عبدالکریم، (۱۳۸۸). تفرج صنع (گفتارهایی در اخلاق و صنعت و علم انسانی)، تهران: انتشارات صراط.
- شه گلی، احمد، (۱۳۹۳). مقاله فرهنگ عربی زدایی و عربی زدایی فرهنگی، ش ۱۰۷، ص ۱۰، قم: مجله معارف.
- صادقی، علی اشرف، (۱۳۸۶). روزنامه سرمایه ص ۸۴، ش ۴۵۴، تهران.
- فروتین، عبدالرسول، (۱۳۹۸). مقاله پژوهشی در ضرورت تدریس زبان و ادبیات فارسی به دانشجویان مترجمی عربی، تهران: نشریه پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی.
- کاردان، محمدعلی؛ ژولین، فروند، (۱۳۹۳). نظریه های مربوط به علوم انسانی، چاپ ۶، تهران: نشر دانشگاهی.
- گرگی، یوسف (۱۳۷۵). مقاله رابطه اضطراب و نمرات دانش آموزان، مجله تربیت، ش ۱۰۸، ص ۱۹. تهران: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
- ماحوزی، رضا، (۱۳۹۷). فرهنگ، دانشگاه، پژوهش، صص ۱۰-۱۴، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی واجتماعی.
- مشکوه الدینی، مهدی، (۱۳۷۳). سیر زبانشناسی، چاپ اول، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۹۲). مجموعه آثار جلد (۱۴)، چاپ سوم، تهران: ناشر صدرا.
- ناعمی، زهره، ناعمی، علی محمد (۱۳۹۹). مقاله پژوهشی تاثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات بر اشتیاق یادگیری و عملکرد تحصیلی در برنامه درسی مکالمه زبان عربی. تهران: نشریه علمی وزارت علوم.



- ورعی، سیدجواد، (۱۳۸۵). مبانی و مستندات قانون اساسی به روایت قانونگذار، قم: دبیرخانه علمی خبرگان رهبری.
- ولایتی، علی اکبر، (۱۳۸۶). فرهنگ و تمدن اسلامی، قم: نشر معارف.
- همتی، رضا، (۱۳۹۶). علم، دانشگاه، جامعه. چاپ اول، تهران: ناشر پژوهشکده مطالعات فرهنگی اجتماعی.